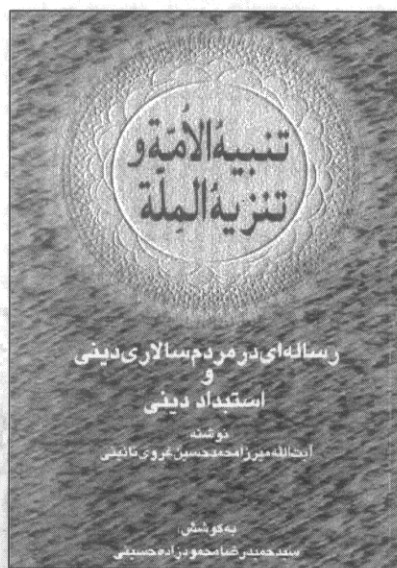


فلسفه‌ی سیاسی شیعه در اندیشه‌ی میرزای نائینی



سیدمسعود نوری
عضو هیات علمی دانشگاه مفید

○ تنبيه الامه و تنزيه المله
○ میرزا محمد حسین نائینی
○ امیر کبیر
○ ۱۳۸۱، ۱۷۸، صفحه ۲۰۰۰ نسخه

اشرف و پیوستن به گروه شاگردان ویژه ملامحمد کاظم آخوند خراسانی (در گذشته ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م)
۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۹ م: انتشار کتاب تنبيه الامه و تنزيه المله با تقریظ آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی.
۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م: وفات آخوند خراسانی، بروز وقایعی که به دلسردی نائینی از مشروطه - نهضتی که در تبیین ایدئولوژیک آن کوشش‌ها داشت - انجامید؛ آغاز دوره‌ای پرتلاش در تدریس فقه و اصول.
۱۳۳۸ ق / ۱۹۱۹ م: وفات سیدمحمد کاظم یزدی، صاحب عروة الوثقی.
۱۳۳۹ ق / ۱۹۲۰ م: رحلت میرزا محمدتقی شیرازی و شریعت اصفهانی. اقبال گسترده

ق / ۱۸۹۴ م). پس از وفات صاحب فتوای تحریم تنباکو، نائینی و برخی دیگر از شاگردان و همراهان میرزا، همچون سیدمحمد اصفهانی و میرزا شیخ محمدتقی شیرازی و سیداسماعیل صدر و میرزا حسین نوری در سامرا باقی ماندند؛ چه، به برقراری حوزه در آن دیار که یادگار میرزای شیرازی بود، دل بسته بودند؛ اما دریغ که دسیسه‌ها برای برچیدن آن حوزه، کارگر افتاد.
۱۳۱۲ ق / ۱۸۹۴ م: با رحلت میرزای شیرازی، نائینی دانش‌اندوزی و تحقیق را زیر نظر سیداسماعیل صدر پی‌گرفت.
۱۳۱۴ ق / ۱۸۹۶ م: نائینی در پی استاد خویش، سیداسماعیل صدر، به کربلا کوچید.
۱۳۱۶ ق / ۱۸۹۸ م: مهاجرت به نجف

الف) آشنایی با میرزا محمدحسین نائینی
۱) سال شمار زندگانی میرزای نائینی
۱۲۷۷ ق / ۱۸۶۰ م: ولادت در نائین
۱۲۹۴ ق / ۱۸۷۷ م: سفر به اصفهان، پس از فراگیری مقدمات علوم حوزوی در زادگاه؛ بهره‌وری علمی از شیخ محمدباقر اصفهانی
فرزند شیخ محمدتقی، صاحب حاشیه بر کتاب معالم (در گذشته‌ی ۱۳۰۱ ق / ۱۸۸۳ م) و شیخ محمدتقی فرزند شیخ محمدباقر، معروف به آقا نجفی (در گذشته‌ی ۱۳۳۲ ق / ۱۹۱۳ م) و میرزا محمدحسن نجفی و میرزا ابی‌المعالی.
۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۵ م: مهاجرت به عراق؛ هجرت به سامرا در ماه محرم همان سال پس از درنگی در نجف اشرف؛ کسب دانش از میرزای بزرگ (میرزا حسن شیرازی، در گذشته‌ی ۱۳۱۲

دانش پژوهان حوزه به نائینی پس از درگذشت این دو تن و نیز سیدمحمد کاظم یزدی.

۱۳۴۱ ق / ۱۹۲۳ م: آهنگ سفر به ایران، به اتفاق سیدابوالحسن اصفهانی در اعتراض به تبعید مجتهدان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف (همچون شیخ مهدی خالصی، شیخ محمد خالصی، سیدمحمد صدر) توسط دولت دست نشانده‌ی بریتانیا در عراق؛ البته به روایتی سفر آنان خودخواسته نبود بلکه به آنان دستور ترک عراق داده شده بود.

۱۳۴۲ ق / ۱۹۲۳ م: ورود نائینی و دیگر عالمان تبعیدی به قم، در چهارم محرم الحرام و پس از سفری ۴۵ روزه.

۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م: بازگشت نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی و سیدعبدالحسین طباطبایی و سیدحسن طباطبایی به نجف اشرف، پس از پذیرفتن ترک دخالت در امور سیاسی عراق.

۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م: بستری شدن نائینی در کراده (خاور بغداد) و دیدار ملک فیصل با وی.

۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م: سفر ملک فیصل به نجف و رایزنی با نائینی و اصفهانی و دیگر علمای نجف.

۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م: وفات در نجف اشرف و خاکسپاری در حرم مطهر امام علی(ع)

۲) استادان نائینی

۱. شیخ محمدباقر اصفهانی ۱۲۳۴-۱۳۰۱ ق.

۲. میرزا محمدحسن نجفی ۱۲۳۹-۱۳۱۷ ق.

۳. میرزا سیدمحمدحسن شیرازی ۱۲۳۰-۱۳۱۲ ق.

۴. سیدمحمد فشارکی اصفهانی ۱۲۵۳-۱۳۱۶ ق.

۵. مولی فتحعلی گنابادی.

۶. میرزا حسین نوری ۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق.

۷. شیخ محمدتقی شیرازی ؟-۱۳۳۸ ق. بنا به روایت سید هبة الله شهرستانی، نائینی در تفسیر و علوم حدیث، از گنابادی و نوری بهره می‌گرفت و در فقه و اصول از محمدتقی شیرازی و سید محمداصفهانی دانش می‌آموخت. برخی تذکره‌نویسان به استشهاد این که نائینی از شیخ مرتضی انصاری با تعبیر «شیخنا = استاد ما» یاد می‌کند، گفته‌اند وی نزد شیخ شاگردی کرده است؛ اما این سخن صواب نیست، زیرا شیخ در گذشته ۱۲۸۱ قمری است و نائینی، چنانچه گفته آمده، متولد ۱۲۷۷ ق، و یا به نقل صاحب اعیان الشیعه، مولود ۱۲۷۳ ق. است. در صورت نخست وی هنگام وفات شیخ، سه ساله و در صورت دوم، هفت ساله بوده است و در هر دو صورت نمی‌توانسته شاگردی شیخ کند.

۳) شماری از دانش‌آموختگان نائینی

۱- سیدابوالقاسم خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ ق) دارای تألیفات متعدد و متنوع از جمله: معجم رجال الحدیث در ۲۳ ج؛ البیان فی تفسیر القرآن، منهج الصالحین، اجود التقریرات که تقریر دروس اصول میرزای نائینی است.

۲- سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۴ ق / ۱۲۸۲-۱۳۶۰ ش) صاحب تألیفات متعدد از جمله تفسیر المیزان در ۲۰ ج.

۳- شیخ محمد علی کاظمی خراسانی (در گذشته‌ی ۱۳۶۵ ق) نویسنده‌ی فوائد الاصول، تقریرات مباحث اصول مرحوم نائینی.

۴- شیخ موسی خوانساری نجفی (در گذشته ۱۳۶۳ ق) نویسنده‌ی منیه الطالب فی شرح المکاسب؛ تقریرات درس مکاسب مرحوم نائینی.

۵- شیخ محمدتقی آملی نویسنده‌ی المکاسب و البیع من تقریرات بحث العلامة النائینی.

۴- تألیفات میرزای نائینی

۱. تنبیه الامه و تنزیه المله؛
۲. رساله‌ای در بردارنده‌ی فتاوی او؛
۳. حواشی بر عروه الوثقی؛
۴. رساله‌ای درباره‌ی «لباس مشکوک»؛
۵. رساله‌ای در مورد «خلل نماز»؛
۶. رساله‌ای در توضیح قاعده‌ی «نفی ضرر»؛

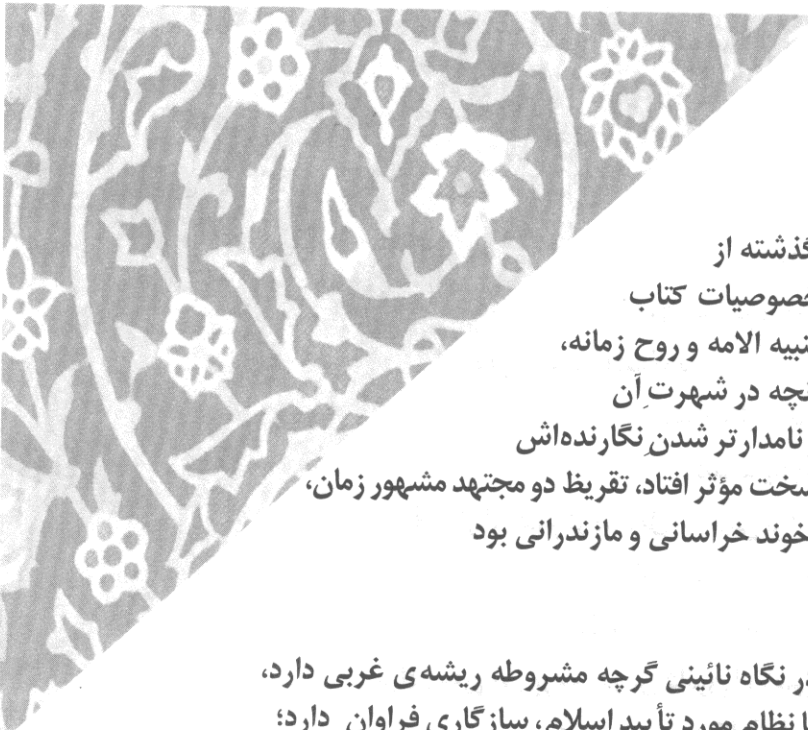
مرحوم طالقانی
معتقد است که
نسخه‌های کتاب
تنبیه الامه و تنزیه المله
به وسیله دستگاه حاکمه وقت
از دسترس مردم خارج شده است
و نه توسط خود نائینی

نائینی برای نخستین بار

به استناد دلایل شرعی،

خواستار تعویض نظام اداره کشور شد

و از این دیدگاه در تاریخ فقه سیاسی اسلام تحول آفرین بوده است



۷. رساله‌ای درباره‌ی «واجبات تعبدی و توصلی»؛
۸. پاسخ به استفتاآت.

گذشته از خصوصیات کتاب تنبيه الامه و روح زمانه، آنچه در شهرت آن و نامدارتر شدن نگارنده‌اش سخت مؤثر افتاد، تقریظ دو مجتهد مشهور زمان، آخوند خراسانی و مازندرانی بود

در نگاه نائینی گرچه مشروطه ریشه‌ی غربی دارد،
با نظام مورد تأیید اسلام، سازگاری فراوان دارد؛
وی البته از موارد تفاوت میان این دو سیستم نیز غافل نبوده است

(ب) آشنایی با کتاب تنبيه الامه و تنزيه المله
از آغاز دوران غیبت کبری، دین‌شناسان، به ویژه فقیهان در ارایه‌ی روشی شریعت پسند برای سامان دادن امور جامعه، کوشش‌ها کرده‌اند. در گنجینه‌ی ذهن هر تاریخ‌پژوه و کتابخوان ایرانی نام شماری از این تلاشگران شریعت خواه جای دارد؛ اما آنچه میرزای نائینی را در جایگاهی برتر می‌نشانند، زاویه‌ی دید او به این مسأله‌ی دیرپا است. آثار فقیهان را در این وادی، «نگارش فقه حکومتی» می‌نامیم و کار ایشان را «بازجست فلسفه‌ی سیاسی شیعه». نائینی به شیوه‌ی علمای سلف نیز درباره‌ی حکومت اسلامی و قدرت اجرایی فقیهان سخن رانده است،^۲ اما وجه تمایز و برتری او در رساله‌ی ماندنی «تنبيه الامه و تنزيه المله» رخ می‌نماید. در این بخش، ابتدا مطالبی درباره‌ی این کتاب ارایه می‌شود. سپس دو نکته به عنوان ارکان اندیشه سیاسی نویسنده‌اش، مطرح می‌گردد. آنگاه چهارنمونه از نوآوری‌ها و دسته‌بندی مطالب در کتاب نشان داده می‌شود. سپس با مروری بر سه کتاب دربردارنده‌ی آرای نائینی، دیدگاه وی درباره‌ی ولایت فقیه مطرح می‌شود.

۱- تاریخچه و اجزای کتاب تنبيه الامه

تنبيه الامه در ربیع الاول سال ۱۳۲۷ قمری / ۱۹۰۹ م. نوشته شد؛ یعنی حدود ۱۰ ماه پس از الغای ناپایدار مشروطیت و بستن مجلس (۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ق / ۱۹۰۸ م) و ۴ ماه پیش از فتح تهران و بازگشت مشروطه (۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ / ۱۹۰۹ م). چاپ نخستین کتاب به سال ۱۳۲۷ ق. در چاپخانه‌ی ولایت بغداد انجام شد. یک سال بعد، چاپ سنگی آن در ایران بیرون آمد. سومین بار، در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در تهران به چاپ سپرده شد. ویژگی این چاپ آن است که چکیده‌ی مطالب کتاب، دیباچه و یادداشت‌های روشنگرانه‌ی آیت الله سید محمود طالقانی (ره) را به همراه دارد. این نسخه برتر، پیاپی چاپ شده است. از جمله: چاپ هشتم در سال ۱۳۶۱ و برای نهمین بار در سال ۱۳۷۸. کتاب برای پژوهندگان

حکومتی معتدل و محدود و بر شالوده‌ی قانون سفارش گردیده است. در فصل دوم آمده است که در دوره‌ی غیبت کبری امام عصر (عج) تأسیس حکومتی آرمانی ممکن نیست، بنابراین مردمان باید در پی ایجاد حکومتی باشند که دست کم بر پایه‌ی استبداد شالوده‌ریزی نشده باشد. در این فصل استدلال شده است که بر فرض پذیرفتن ولایت عامه فقیه نیز باید حکومت فقیه را بر حکومت جائزانه دیگران اولویت داد. سومین فصل به بررسی نظام مشروطه که مسأله‌ی روز در آن روزگار بوده، اختصاص دارد. در نگاه نائینی گرچه مشروطه ریشه‌ی غربی دارد، با نظام مورد تأیید اسلام که ولایت فقیه است، فراوان سازگاری دارد؛ البته از موارد تفاوت میان این دو سیستم نیز غافل نبوده است.

نائینی، فصل چهارم را برای «ذکر جمله‌ای از سواوس و شبهات القائیه و رفع آنها» گشوده است. تلاش وی در این فصل، نقد نظریات بعضی هم‌مسلمانان روحانی خود است که تأسیس مجلس شورا، اصل مساوات مردم در برابر قانون و اصل آزادی شهروندان را بدعت می‌نامیدند. نائینی می‌کوشد میزان انطباق‌پذیری مفاهیم اسلامی را با مقتضیات زمان، نشان داده، اثبات کند اصول پیش‌گفته‌ی مشروطیت، با

غیرایرانی نیز شناخته شده است. مثلاً توفیق‌السیف، از نویسندگان عرب، فقه سیاسی شیعی در عصر غیبت را براساس رساله تنبيه الامه تدوین و عرضه کرده است.^۳ این اثر با عنوان «استبداد ستیزی» ترجمه و در اختیار فارسی‌زبانان قرار دارد.^۴ گذشته از خصوصیات کتاب تنبيه الامه و روح زمانه، آنچه در شهرت آن و نامدارتر شدن نگارنده‌اش سخت مؤثر افتاد، تقریظ دو مجتهد مشهور زمان، آخوند خراسانی و مازندرانی بود. آن دو مرجع سترگ در نامه‌های هواخواهانه‌ی خود که در آغاز تنبيه الامه آورده شده است، خامه و آرای نائینی را ستودند.^۵ و این دو شهادت، شاهد آن است که تنبيه الامه تجلی‌گاه آرمان عالمان مشروطه‌ورز است و نائینی در آنچه نوشته، بی‌یاور نیست.

کتاب از این اجزا و ارکان تشکیل شده است: سخنانی به عنوان پیش‌درآمد، مقدمه، پنج فصل، خاتمه.

نائینی در مقدمه‌ی کتاب، حکومت را به دوگونه‌ی استبدادی و مشروطه تقسیم کرده، درباره‌ی معنای آزادی، برابری، قانون اساسی و مجلس شورای ملی نیز سخن گفته است.

در فصل نخست کتاب این نکته مطرح شده که در اسلام و دیگر ادیان و حتی بنا به نظر فیلسوفان و مردانی که پیرو هیچ مذهبی نیستند، استبداد مردود و محکوم شناخته شده و

نائینی

فقیه ژرف نگری بود

و برای تبیین فلسفه سیاسی شیعه

به استدلال‌هایی

دست یازید

که قبل از او کمتر در مسائل سیاسی از آن

استفاده شده بود

مانند مفهوم «مقدمه واجب» که آن را

برای بیان ضرورت تدوین قانون اساسی

در هر عصر به کار گرفت

نه در حد مرجعیت عامه و علی‌الاطلاق - برای نخستین بار بااستناد به دلایل شرعی، خواستار تعویض نظام اداره‌ی کشور گردید و از این دیدگاه نقش وی در تاریخ فقه سیاسی اسلام، تحول آفرین است.

۲- نمونه‌هایی از نوآوری‌ها و تقسیم‌بندی مطالب در تنبیه‌الامه

۱- کاربردی جدید برای مفهومی دیررسال:

نائینی، اصولی زبردست و فقیه ژرف‌نگری بود و برای تبیین فلسفه‌ی سیاسی شیعه از مفاهیمی سود جست و به استدلال‌هایی دست یازید که گرچه پیکره‌ی آن براهین و چیدمان مقدمات آن از دیرباز برای اندیشمندان اسلامی آشنا و مقبول بود، کمتر در مسائل سیاسی و حکومتی از آن استفاده شده بود. او مفهوم «مقدمه واجب» را برای بیان ضرورت حکومت در هر عصر و لزوم تدوین قانون اساسی در روزگار خویش به خدمت گرفت. پیش از آن، استفاده از این مفهوم برای الزامی دانستن طهارت به عنوان مقدمه نماز و نمونه‌هایی از این دست، مرسوم بود.

نائینی، مصداقی جدید برای این مفهوم شناساند؛ به این بیان که در بینش او، حکومتی کارآ و نظامنامه‌ای برای ترسیم مسئولیت‌ها و تعیین حوزه‌ی قدرت حاکمان، پیش شرط و لازمه‌ی امنیت و استقرار عدل در جامعه است؛ از این رو برقراری آن حکومت و تدوین این نظامنامه واجب می‌شود. به کارگیری این مفهوم، افزون بر تبیین شرعی حکومت در عصر غیبت، پاسخی پیش گفته است به هر ایراد بر قانونگذاری بشری در زمینه‌ای که فاقد حکم صریح شرعی باشد.^۷

۲- طبقه‌بندی حکومت‌ها: از دیدگاه نائینی حکومت‌ها و به ناچار حکومت‌گران به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تملیکیه یعنی حکومت استبدادی و خودکامی

«مانند آحاد مالکان نسبت به اموال شخصی خود، با مملکت و اهلس معامله فرماید؛ مملکت را بما فیها، مال خود انگارد و اهلس را مانند عبید و اِماء... در تمام مملکت به هر تصرفی مختار... اعوانش مساعدتش کنند، تمام قوای مملکت را قوای قهر و استیلاء و شهوت و غضبش دانند و بر

آگاهی‌هایی که به وسیله‌ی فرزند نائینی به ما داده شده، قابل انطباق نیست.» و پس از نقل اظهارات شفاهی فرزند آن مرحوم، می‌نویسد: «نائینی خود تا آنجا که توان داشته در جمع‌آوری کتابش کوشیده است.»^۶

برای راه بردن به اندیشه‌های نائینی و شناخت بهتر تنبیه‌الامه باید توجه داشت دو محور اساسی در کتاب قابل تأمل است:

الف) گرایش به نظام مشروطه: نائینی باتوجه به لزوم شرعی «دفع افسد به فاسد» لازم می‌دانسته است در آن شرایط تاریخی، نظام سلطنتی مطلقه و استبدادی، جای خود را به نظام مشروطه دهد و قوانین جاری کشور نیز برگرفته از فقه اسلام باشد، البته وی، نظام مشروطه را نظام اصلی در اندیشه‌ی سیاسی اسلام نمی‌داند.

ب) تأکید بر اجرای نظام حکومتی موافق با شرع: نائینی، در روزگار خودش نخستین فقیه امامی است که به روشنی خواهان «تعویض نظام حکومت» شده است. هرچند فقیهان متقدم و هم عصر وی در کتب و دروس خویش، مباحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند، تلاشی سازمان یافته برای ارائه تئوری جامع آن و کوششی سامان‌یافته در تغییر نظام حکومتی از آنان سر نزده است. نائینی به عنوان فقیهی نامور - گرچه

تعالیم شرع مطهر منافات ندارد.

در فصل پنجم شرایط نمایندگان مردم را برشمرده، درباره‌ی مشروعیت دخالت «مبعوثان ملت» در امور حکومت سخن رانده است.

کتاب با یک «خاتمه» پایان می‌گیرد که مؤلف در آن، درباره‌ی استبدادگری و استبدادگرایی و راه درمان این بیماری‌های خطرناک اجتماعی توضیح می‌دهد.

از گفته‌ها و گفتنی‌ها درباره تنبیه‌الامه، ماجرای جمع‌آوری کتاب است. شماری از تحلیل‌گران بر این باوراند که نسخه‌های کتاب به وسیله‌ی دستگاه حاکمه‌ی وقت از دسترس مردم خارج شده است، اما گروهی اعتقاد دارند که خود نائینی چنان کرده است. مرحوم طالقانی احتمال نخست را منطقی یافته، آن را پذیرفته است. دکتر غلامحسین صدیقی نیز معتقد نیست که نائینی خود نسخه‌های کتابش را جمع‌آوری کرده باشد، بلکه تنبیه‌الامه و دیگر کتب همسان آن، پس از انقلاب مشروطه به سبب بی‌علاقه شدن مردم، به طور طبیعی از بازار کتاب و مطبوعات ناپدید گردید. آقای دکتر عبدالهادی حائری در این مورد نوشته است: «اگرچه دیدگاه‌های آقای طالقانی و دکتر صدیقی، هر دو با اوضاع و شرایط آن دوره از تاریخ ایران به گونه‌ای راست می‌آید ولی با

طبق آن برانگیزانند، لایسٹل عما یفعل و هم یسئلون... صاحب این چنین سلطنت را حاکم مطلق... نامند و ملتی را گرفتار چنین اسارت... اسرا... گویند.

ب) ولایتیه یعنی حکومت قانون گرا و عدل پرور
«اساس سلطنت بر اقامه‌ی همان وظایف و مصالح نوعیه متوقفه بر وجود سلطنت مبتنی، و استیلاء سلطان به همان اندازه محدود، و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد مقید و مشروط باشد... حقیقت این قسم از سلطنت... از باب ولایت و امانت... و به عدم تعدی... متقوم و محدود است... پس لامحاله حافظ این حقیقت و مانع از تبدلش به مالکیت مطلقه... است.»

نائینی ضمن یادآوری نقش عصمت حاکمان و تأسف بر کوتاهی دست مردمان از دامان حاکمی که دارای این نیروی بازدارنده باشد، دو مسأله را شرط عدم تبدیل حکومت ولایتیه به تملیکیه می‌شمرد: ۱- تدوین قانون اساسی که وظایف و درجه‌ی استیلاء سلطان و آزادی ملت را کاملاً مشخص کرده باشد و تخلف حاکم از آن رسماً موجب انزال ایدی و سایر عقوبات مرتبه بر خیانت باشد. ۲- استوار داشتن اساس مراقبه و محاسبه و مسئولیت کامله به گماشتن هیأت مسدوده و رادعه نظاره از عقلا و دانایان مملکت و خیرخواهان ملت که به حقوق مشترکه‌ی بین الملل هم خبیر و به وظایف و مقتضیات سیاسیه عصر هم آگاه باشند، برای محاسبه و مراقبه و نظارت در اقامه‌ی وظایف لازمه‌ی نوعیه... فتور در هریک از این دو مسئولیت موجب بطلان محدودیت و تبدل حقیقت ولایت و امانت به همان تحکم و استبداد متصدیان خواهد بود.

۳- حاکمان راستین: از نگاه نائینی، پیش شرط ولایت بر مردمان، عصمت از خطا و لغزش است؛ و در این زمانه که به حکم خرد و جبر ضرورت باید به ولایت غیرمعصوم تن در داد و از آن شرط، ناگزیر چشم برگرفت، به ناچار باید در پی دستیابی به نظارتی همگانی و مستمر بر حاکمان بود تا نقیصه‌ی نامعصوم بودن آنان هرچه کمتر رخ نماید. عباراتی از تنبیه الامة را بنگرید:

«بالاترین وسیله‌ای که برای حفظ یک رژیم قانونی درستکار و منع از تبدل و ادای این امانت و جلوگیری از استبداد و خودسری حاکمان می‌توان یافت، همان عصمتی است که اصول

مذهب ما طایفه امامیه بر اعتبارش در ولی نوعی مبتنی است؛ چه، بالضروره معلوم است که آن مقام والای عصمت از علوم خدایی و سایر صفات لازمه آن مقام اعلی، برخوردار و از هرگونه خطا و اشتباه تهی است؛ ولی با دسترسی نبودن به آن دامان مبارک (امام معصوم) به ندرت تواند شد که شخص سلطان خودش... مستجمع جمیع کمالات بوده تا اساس مراقبه و محاسبه و مسئولیت را بر پای دارد... و مصداقش منحصر و نایاب‌تر از عنقا و از کبریت احمرند؛ بنابراین در چنین شرایط ویژه، تنها شیوه کشورداری که می‌توان جانشین آن حکومت ایده آل امام و آن قوه عاصمه عصمت کرد، همانا یک نظام مشروطه است.»

نائینی تدوین قانون اساسی و وظیفه‌مند کردن سلطان به اجرای آن را ناکافی می‌داند و برای رعایت مصالح مردمان، ستاندن ضمانتی بساکارآمدتر از صاحبان قدرت را لازم می‌یابد؛ و آن، نظارت مستمر و همگانی بر او است. نائینی این نهاد ناظر را «هیأت مسدده» نامیده، وظیفه‌ی

آن «مجمع ملی» را نظارت بر اعمال سلطان می‌خواند.^۸

۴- وظایف حکومت: از استدلال نائینی بر لزوم حکومت در عصر غیبت که «حفظ بیضه‌ی اسلام» و پاسداری از کیان جامعه‌ی اسلامی بود، می‌توان وظایف حاکمان را از دیدگاه وی حدس زد. او دوگونه وظیفه بر دوش حاکمان می‌نهد: الف) حفظ نظامات داخلی‌ی مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول احاد ملت بعضهم علی بعض. ب) تحفظ از مداخله اجانب و تحذر از حیل معموله در این باب، تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه.

آنچه بیش از همه در این فهرست وظایف حاکمان تازگی دارد، نقش تربیتی حکومتگران است. ایجادنظم داخلی و جلوگیری از هجوم دشمنان خارجی، از وظایف سنتی حاکمان است، اما تربیت نوع اهالی، یعنی نقش تعلیمی حکومت و وظیفه‌ی خطیر باروری فرهنگ عمومی کشور، کمتر مورد توجه بوده است.

اساس اختلاف

در ثبوت ولایت عامه

برای فقیه آن است

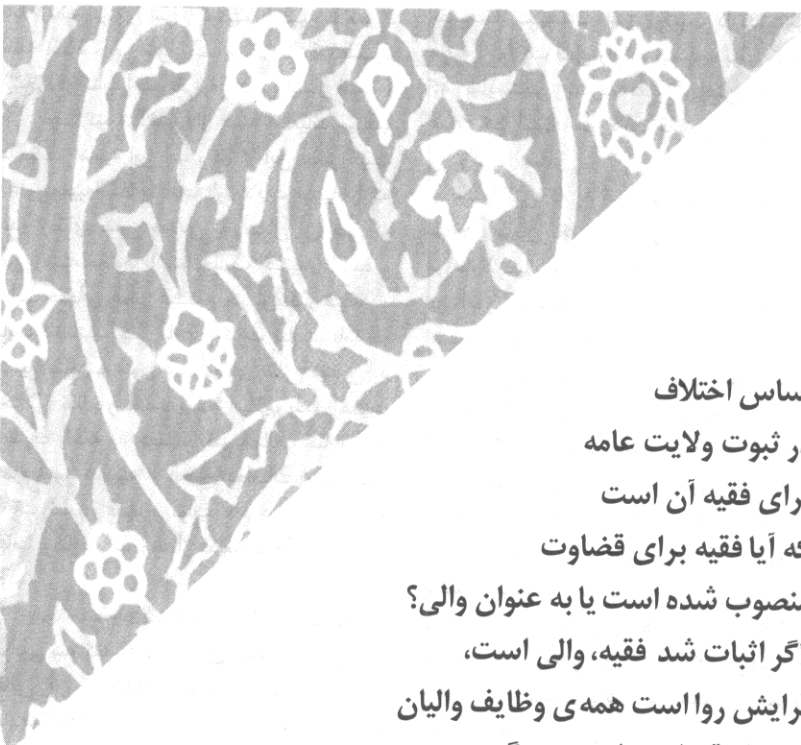
که آیا فقیه برای قضاوت

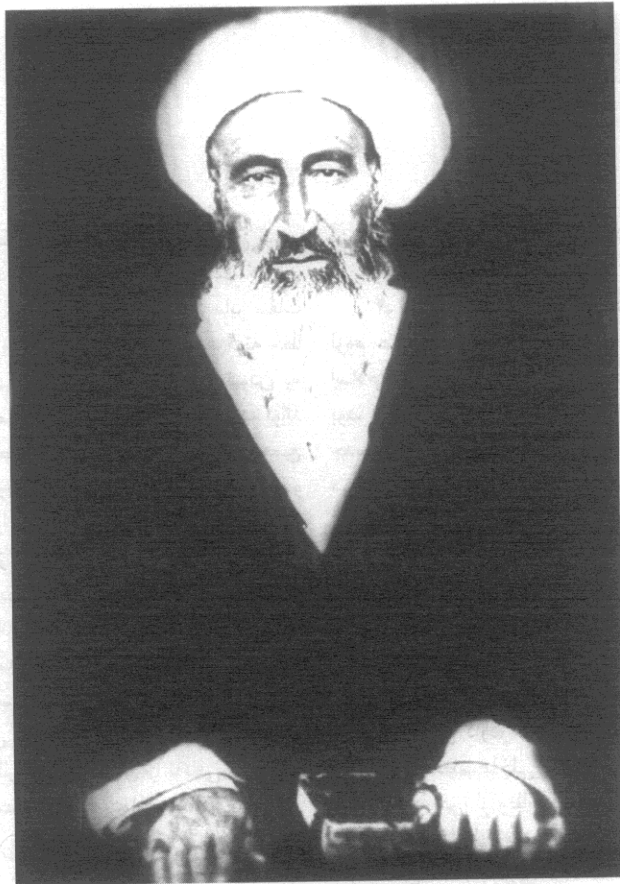
منصوب شده است یا به عنوان والی؟

اگر اثبات شد فقیه، والی است،

برایش روا است همه‌ی وظایف والیان

از جمله قضاوت را برعهده گیرد





افتا برای فقیه ثابت است؛ همچنین فقیه در اموری که پیامد قضاوت هستند، ولایت دارد، اموری نظیر بازپس گرفتن حق از محکوم، بازداشت مدیونی که از پس دادن دین خویش - بی جهت - سر باز می زند، تصرف برای حفظ اموال کودکان و دیوانگان بی سرپرست.

آنچه مورد تأمل است، ثبوت ولایت عامه فقیه می باشد که به استناد آن بتواند به پاسداری از مرزها، جهاد و اموری از این قبیل، دست بگذارد؛ البته مواردی وجود دارد که دقیقاً مشخص نیست از مسئولیت های قاضی است یا از اختیارات و وظایف والی، مثلاً اجرای حدود، گرفتن زکات، اقامه نماز جمعه. برای اثبات ولایت عامه فقیه به روایاتی که در شأن و منزلت علما آمده، همچنین به توقیع شریفی از حضرت حجت (عج) که شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین روایتش کرده، استدلال شده است. نائینی یکایک روایات را نقل می کند، استدلال به آنها را توضیح می دهد، و در این استدلال ها مناقشه می نماید و نتیجه می گیرد اثبات ولایت فقیه به صورتی که در صورت اقامه نماز جمعه به وسیله او، حضور در نماز جمعه بر همگان واجب شود، مشکل است.^{۱۰}

ج) المکاسب و البیع: اساس اختلاف در ثبوت ولایت عامه برای فقیه آن است که آیا فقیه برای قضاوت منصوب شده است یا به عنوان والی؟ اگر اثبات شد فقیه، والی است، برایش روا است همه وظایف والیان - از جمله قضاوت - را برعهده گیرد؛ اما اگر معلوم شود که ولایت او برای انجام مشاغل قاضیان است، برای وی جائز نیست امور دیگر را برعهده گیرد، و اگر نیز دخالت کرد، حکم و عمل وی نافذ و صحیح نیست. حتی انجام عملی که نمی دانیم از وظایف قاضیان است یا والیان بر او روا نیست. سپس میرزا نقل می کند که گروهی ولایت - یعنی وظایف والیان - را برای فقیه ثابت می دانند و در این مورد به روایاتی استدلال کرده اند آنگاه شماری از روایات و نحوه استناد به آن و ایرادات بر آن استنادها را بیان کرده، می گوید: بهترین روایتی که برای اثبات ولایت عامه فقیه به آن تمسک شده، روایت عمر بن حنظله است... اگر عموم ولایت فقیه را از این روایت استفاده کردیم، بدون تردید هر آنچه وظیفه قضا و یا ولایت، و نیز وظایفی که

تفویض، آن است که معصومان - علیهم السلام - به مقتضای آیهی «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»، نسبت به آنان اولویت دارند و این مرتبه از ولایت قابل ربودن نیست و برای کسی که شایستگی ندارد، دست یافتن به آن غیرممکن است؛ اما ولایت قابل واگذاری خود بر دو گونه است:

- ولایتی که به امور سیاسی نظیر اداره ی شهرها، سامان بخشی به امور مردم، حراست از مرزها، نبرد با دشمنان و دفاع در برابر آنان و امثال این امور که همگی از وظایف والیان و امیران است، مربوط می شود.

- ولایتی که مربوط به افتاء و قضاء است. این دو منصب در روزگار پیامبر و امام علی (علیه السلام) و نیز در عصر خلفای ثلاثه برای آن دو گروه یعنی مفتیان و قاضیان بوده است و در هر شهر و ناحیه ای والی، شخصی غیر از قاضی بوده است؛ جمعی برای قضا و افتاء منصوب بودند و اشخاصی برای اجرای حدود، ایجاد نظم و امنیت در شهرها و مرزها، البته گاه هر دو سنخ وظیفه برعهده فردی که هر دو نوع صلاحیت را داشت واگذار می شد، اما معمولاً والی، شخصی و قاضی فردی دیگر بود.

بی تردید در عصر غیبت، منصب قضا و

۳- نائینی و حکومت فقیهان

دیدگاه میرزای نائینی را درباره ولایت فقیه، باید از سه اثر وی سراغ گرفت، ۱- تنبیه الامه، ۲- منیه الطالب فی شرح المکاسب، ۳- المکاسب و البیع. (دو کتاب اخیر، تقریرات درس ایشان است.) الف) تنبیه الامه: «از جمله قطعیات مذهب ما طایفه امامیه این است که در این عصر غیبت (علی مغیبه السلام) آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به افعال آن حتی در این زمینه معلوم باشد، وظایف حسیه نامیده و نیابت فقههای عصر غیبت را در آن، قدر متیقن و ثابت دانستیم، حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب، چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام، بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامی از تمام امور حسیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقهها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود.»^{۱۱}

ب) منیه الطالب فی شرح المکاسب: ولایت مراتبی سه گانه دارد؛ مرتبه ی نخست که مرتبه ی عالی آن و ویژه ی پیامبر و اوصیای او - علیهم السلام - می باشد، غیرقابل تفویض است و دو مرتبه ی آن قابل واگذاری. مرتبه ی غیرقابل

نمی‌دانیم برعهده کدامین منصب است، برعهده فقیه است؛ اما اگر از روایت چنین ولایت عامی استفاده نشد، یا در عام بودن و نبودن ولایت مردد باقی ماندیم، قدر متیقنی که فقیه می‌تواند انجام دهد، وظایف قاضیان است مانند حکم کردن در اختلافات مردم؛ اما آنچه مسلماً از وظایف والیان است یا دانسته نشود که از وظایف قضات یا ولات است، خود بر دو گونه است:

برخی اموراند که وجوب یا وجودشان مشروط و منوط است به این که به وسیله‌ی شخص خاصی انجام شوند، برخی از مناصب والیان از این سنخ است... و بعید نیست اجرای حدود و تعزیرات از این دسته باشند لذا حاکم (یعنی کسی که صرفاً قاضی است) نمی‌تواند به این امور اقدام کند (مگر آن که از طرف والی اذن داشته باشد).

در مقابل، شماری از امور ذاتاً مطلوب‌اند و اگرچه والی موظف به انجام آنها است، به یقین می‌دانیم شارع مقدس ترک آنها را روا نمی‌داند

زیرا ترک آنها موجب اختلال در نظام اجتماع می‌شود و تأکید شارع بر انجام آنها به حدی است که اگر فقیه میسوط الیدی نیز نباشد، بر عموم مردم لازم است به انجام آن اقدام کنند، مانند حفاظت از اموال غائبان و قاصران (کم خردان)، به این موارد، امور حسبه گویند.

در این گونه امور، مرجع تصمیم‌گیری، فقیه است؛ زیرا روا بودن این تصرفات فقیه، قدر متیقن از ادله شرعی است.^{۱۱}

کوتاه سخن آن که نائینی در تنبیه الامه ولایت فقیه را از راه امور حسبه، جزء قطعیات مذهب می‌داند. در «منیة الطالب» ولایت را در محدوده‌ی قضا و افتاء ثابت می‌بیند، اما برای اثبات ولایت عامه فقیه دلیل قابل استناد و قطعی نمی‌یابد. در المکاسب و البیع مبنایی بحث می‌کند: اگر مقبوله‌ی عمر بن حنظله را دلیل ولایت عامه یافتیم، ولایت مطلقه فقیه اثبات می‌شود، در غیر این صورت ولایتش در باب

پی نوشت:

۱. تاریخ ولادت میرزای نائینی، مختلف نقل شده است. اعیان الشیعه سال ۱۲۷۳ را گزارش کرده، دایرة المعارف تشیع، سال ۱۲۷۷ را برگزیده، دکتر حائری ضمن اشاره به این اختلاف، سال ۱۲۷۷ (۱۸۶۰ م) را صحیح می‌داند و می‌گوید: «خوشبختانه یک نسخه عکسی گواهی‌نامه‌ی زادروز نائینی که به خط پدر نائینی نوشته شده است، به وسیله آقای مهدی زاده نائینی در دسترس ما قرار گرفت.» (رجوع کنید به: تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۹۸)
۲. رجوع کنید به: المکاسب و البیع من تقریرات بحث العلامة النائینی. شیخ محمدتقی آملی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق. ج ۲، ص ۳۳۲ الی ۳۳۹ و منیة الطالب فی حاشیة المکاسب. شیخ موسی نجفی خوانساری. رشدیة، ۱۳۷۳ ق. ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۳. مشخصات کتابشناختی این اثر چنین است: توفیق السیف. ضد الاستبداد، الفقه السیاسی الشیعی فی عصر الغیبة، قراءة فی رساله تنبیه الامة و تنزیه الملة، لشیخ الاسلام المیرزا محمدحسین الغروی النائینی. الطبعة الاولى: الدار البیضاء - بیروت، المركز الثقافی العربی، ۱۹۹۹، ص ۳۸۰

۴. استبداد ستیزی، تحلیلی از زندگی اجتماعی و دیدگاه‌های سیاسی علامه محمدحسین غروی نائینی. نگارش: توفیق السیف. ترجمه: محمذنوری، حسنعلی نوریه، محمذنصر، علی زاهدپور، چاپ اول: اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۷۹، ۲۷۲ ص.

۵. نسخه‌ای از کتاب همراه با دستنوشته‌ی نامبردگان به شماره مسلسل ۴۸۳۷ (۴۸۲۸) در کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی در قم نگاهداری می‌شود.

۶. در این باره ر.ک: ۱- تنبیه الامة، ص ۱۶ و ۱۷، ۲- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۷. رجوع کنید به: عنایت، حمید. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. ص ۲۹۱-۲۹۲.

۸. رجوع کنید به: عبدالهادی حائری. تشیع و مشروطیت در ایران.

ص ۲۴۳-۲۴۴.

۹. تنبیه الامة، ص ۴۶.

۱۰. منیة الطالب ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۱۱. المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۹ با تلخیص.

توفیق السیف، از نویسندگان عرب، فقه سیاسی شیعی در عصر غیبت را براساس رساله تنبیه الامه تدوین و عرضه کرده است

نائینی تدوین قانون اساسی و وظیفه‌مند کردن سلطان

به اجرای آن را ناکافی می‌داند

و برای رعایت مصالح مردمان،

ستاندن ضمانتی بسا کارآمدتر از

صاحبان قدرت را لازم می‌یابد؛

و آن، نظارت مستمر

و همگانی بر او است